



سیر تحول قرآن، تحولی بنیادین در قرآن شناسی

سید محمد مهدی جعفری

از همان روزهای نزول قرآن بر پیامبر گرامی اسلام تاکنون، آیات این کتاب موضوع اهتمام و بررسی و تحقیق و نقد و رد و تحدی و تأیید موافقان و مخالفان، مؤمنان و کافران و دانشمندان و پژوهشگران مسلمان و غیرمسلمان بوده است. شاید هیچ کتابی تاکنون چنین مورد بحث و تحقیق قرار نگرفته است، به طوری که اگر کتابشناسی دقیقی از آنچه پیرامون قرآن نوشته شده است، به همه زبان های دنیا، در طول این یکهزار و چهارصد سال، انجام گیرد، خود کتابخانه بزرگی به دست خواهد داد.

می توان گفت از نخستین دانش های قرآنی «علم اسباب النزول» یا علت نزول برخی از آیات سؤال برانگیز برای اصحاب و اطرافیان پیامبر اکرم بوده است و پاسخگوی آن سؤالها هم شخص پیامبر اکرم. دیگر موضوعات علوم قرآنی، بعدها پدید آمده اند، به ویژه برای کسانی که با پیامبر گرامی همزمان نبوده اند. هرچه از آن تاریخ بیشتر می آیم، دامنه این علوم را گسترده تر و آنها را متنوع تر می یابیم.

در مجموعه پژوهش ها و علوم قرآنی، دو موضوع همیشه ذهن ها را به خود مشغول داشته است. یک موضوع ذهن غیرمسلمانان را: آیا این قرآن از جانب خدا، به عنوان وحی، به وسیله فرشته جبرئیل یا هر وسیله دیگری، بر محمد بن عبدالله ﷺ، نازل شده است؟ که اگر به

پاسخ مثبت دست یافتیم، نتیجه الزامی آن، پیامبر بودن و رسول خدا بودن او است. در این صورت باید به او و کتابش و آیینی که عرضه داشته، نخست اعتقاد پیدا کرد و سپس ایمان آورد. اما باز هم این پرسش باقی است که چگونه می توان بدان پاسخ مثبت و سرانجام بدین اعتقاد و ایمان رسید؟

موضوع دیگری که ذهن محققان غیرمسلمان و علمای مسلمان در علوم قرآنی را پیوسته به خود مشغول داشته، ترتیب نزول آیات قرآن است.

آیا قرآن به ترتیب مدون کنونی بوده است، یا ترتیب نزول به گونه دیگری بوده است؟ اگر ترتیب آیات و سوره ها، بدین شکل کنونی نازل نشده است، چه کسی این ترتیب و تنظیم را به قرآن داده است؟ شخص پیامبر، یا اصحاب او؟ و چه غرضی در به هم زدن ترتیب نزول در کار بوده است؟

اگر بعد از پیامبر این ترتیب پدید آمده، در این ترتیب و تنظیم، کم و زیادی هم در قرآن صورت گرفته است یا خیر؟

برای پاسخ دادن به پرسش های فوق، دو راه وجود دارد: نقلی و عقلی. مسلمانان غالباً (اگر نگویم عموماً)، به راه نخست رفته اند و برای گرفتن پاسخ خود به احادیث گوناگون چنگ زده اند. و آنچه بیش از اصل موضوع ذهنشان را به خود مشغول داشته است و فکرشان را پر کرده است، کیفیت و ماهیت و صحت و سقم احادیثی است که در این باره رسیده است و بحث دربارهٔ راوی آن احادیث.

چیزی که از تمام این تلاش ها به دست آمده است، به هیچ روی، برای کسی قانع کننده و حرف آخر و فیصله دهنده نمی باشد. اختلاف همچنان باقی است.

حتی برخی از دانشمندان اصولی و مفسران متکی به روش عقلی، هنگامی که به صحت حدیث مورد بحث دربارهٔ ترتیب و زمان و مکان نزول سوره ای یقین پیدا کردند، آن ترتیب را می پذیرند، اگرچه برخلاف ظاهر عقلی و قرآنی علمی باشد.^۱

و اما شق دوم موضوع نخست، پرسش زیر است:

اگر این قرآن از جانب خدا بر محمد بن عبدالله نازل نشده، زائیدهٔ ذهن پاک و پویا و جوشان و شاعرانه و حکیمانه خود او است، برخی از مطالب آن را که از زمان و مکان و شرایط زندگی و تربیت او بیرون است، چگونه باید توجیه و تلقی کرد؟

پاسخ بدین پرسش برای منکران رسالت پیامبر و یا منکران وحی و نبوت، آسان است و راه

توجه به رویشان باز. ما بدین شق پرسش، در این نوشتار، کاری نداریم، زیرا این پرونده تاکنون و از این پس هم، محتمله تلقی نشده است و نخواهد شد.

کتاب «سیر تحول قرآن» با یک روش علمی و ریاضی، به هر دو پرسش پاسخ داده است. چون پاسخ علمی است و طبیعت علم جزمیت و قاطعیت نیست، قصد آن را نداریم که ادعا کنیم این پرسش‌ها برای همیشه و برای آخرین بار، بی هیچ تردید و کم و بیشی، پاسخ خود را دریافت کرده‌اند که اگر چنین شود، خرد و اندیشه پویای انسان به ایستگاه پایانی و توقف یا مرگ رسیده است و شادروان مهندس بازرگان خود در این باره می‌گوید:

«شاید خوانندگان محترم توجه داشته باشند که عدد و حساب و به طور کلی ریاضیات به خودی خود کاشف حقیقت و خالق چیزی نمی‌شود. ریاضی روی یک سلسله فرضیات بنا می‌شود و با استنباط‌ها و استدلال‌هایی که بر وجودهای عینی یا تحقیقی خارج تکیه دارد استوار می‌گردد. عملی که انجام می‌دهد بیرون زدن نظام موجود، و به چشم آوردن میزان و قرار حاکم است. از طرف دیگر یک چشمه ریاضیات حساب احتمالات است. در علم احتمالات، از توجه به یک عده افراد و عناصر و ثبت کردن مشهودات و وقایع به دنبال رقم متوسط و محتمل می‌روند. متوسط و محتملی که تنها در صورت توسل به تعداد فوق العاده زیاد افراد و با تکرار بینهایت دفعات واقعه می‌توان به یقین و نتیجه قطعی رسید. در غیر این صورت فقط یک قرینه و امکان به دست می‌دهد و تقریبی یا احتمالی بیش نیست. مطالعات روی سیر تحولی قرآن، با مقایسه و محاسبه روی آیات سوره‌ها که البته تعدادشان بینهایت نیست انجام می‌گیرد، و بعد از روی قراین و قیاس‌ها حکم به آنچه بیشتر به نظر محتمل می‌آید شده است.

بنابراین از هم اکنون باید بگوییم که نه نویسنده ادعای دقت و صحت قاطع در استنتاجهای ارایه شده دارد، و نه خوانندگان می‌توانند چنین انتظاری را داشته باشند.^۲

روش علمی مهندس بازرگان

همه صاحبان اندیشه و اعتقاد، برای اثبات عقیده و اندیشه‌ای که بدان ایمان دارند، به تألیفاتی دست می‌یازند و از راههای گوناگون می‌کوشند تا عقیده خود را بر دیگران بقبولانند یا آنان را قانع کنند و بیشتر این افراد، چه مذهبی و چه غیر مذهبی، نخست اصل را بر حقایق آیین

و مکتب خود قرار می دهند و سپس می کوشند که دلایلی از درون همان آیین یا بیرون آن، معمولاً به نقل از بنیانگذاران یا مؤمنان بیاورند. اما آقای مهندس بازرگان، از همان آغاز که برای اثبات حقانیت مکتب اسلام و قرآن دست به قلم برد، شیوه خود را بر این پایه گذاشت که این آیین را اثبات شده و از پیش حق مسلم پنداشته، نداند، بلکه به چشم یک غیرمسلمان بدان بنگرد و پایه پای او، با استدلال های علمی عقلی و گاه برای افزون تر شدن ایمان مسلمانان سنتی با روش نقلی، پیش برود، تا سرانجام در پایان کتاب، از زبان خواننده، به نتیجه مطلوب دست یابد و این روش (نه بیطرفانه بلکه) علمی است. همین شیوه در کتاب «سیر تحول قرآن» رعایت شده است. نویسنده از آغاز ادعا و یا اثبات نمی کند که قرآن از طرف خدا بر پیامبر نازل شده است و لذا غیربشری و تکامل یافته و مرتب و منظم است، بلکه می گوید: «کلمه «تحول قرآن» هم ممکن است ایراد تربیت شدگان مکاتب قدیم را برانگیزد که قرآن کلام لایتغیر الهی است و دستخوش تحول و یا تکامل نمی شود و هم منکران حقیقت و حی آن را مؤید نظر خود بدانند و بگویند آنچه در حال تحول و تکامل است بشری است و نه الهی.

«بدیهی است که به این زودی نمی توان جواب دو دسته فوق را داد. با اندکی حوصله شاید مطالب آینده رفع ایراد یک دسته و رد استنباط دسته دیگر را بنماید».^۳

و بدین ترتیب قضاوت هردو گروه را، پیش از به پایان رسانیدن مطلب، شتابزده و نادرست می داند و آنان را به حوصله دعوت می کند، شاید پس از خواندن دقیق کتاب داوری دیگری داشته باشند.

تعصب علمای اسلام و بی هدف بودن پژوهش های علمی شرق شناسان

در برابر تعصب و جمود برخی از علمای اسلام و نداشتن روش علمی که کارشان با پیشداوری آغاز می شود. و بر پایه نقل روایت است و با بی اعتقادی بیشتر خواننده به پایان می رسد؛^۴ اسلام شناسان و پژوهشگران اروپایی هستند که تحقیقات دقیقی در قرآن و سیره پیامبر اکرم و تاریخ اسلام و متون اسلامی به عمل آورده اند و چنان تیزنگری ها و ریزی های دقت نظرهایی از خود نشان داده اند که مایه شگفتی خواننده می شود، اما نتایجی که از تحقیقات آنان به بار می آید، برخلاف انتظار است. خود را به نتایج خشک علم سپردن و تسلیم هرچه در پایان بیاید شدن، از پیامدهای پژوهش های علمی و بی هدف شرق شناسان است.

مطلوب آن است که تعصب و پیشداوری از میان برداشته شود و روش علمی (و نه بیطرفی)

برای رسیدن به حقیقت درپیش گرفته شود؛ و از سوی دیگر، شایسته است که دارنده گان روش علمی نیز هدفی برای دست یافتن به حقیقت برای خود (دست کم در همان زمینه تحقیقات علمی) در نظر بگیرند.

برای مثال، بلاشر فرانسوی و نولدکه آلمانی، به نداشتن غرض سیاسی در تحقیقات قرآنی و اسلام شناسی خود مشهورند و ترجمه ای که بلاشر از قرآن به زبان فرانسه به عمل آورده، به ادعای فرانسه دانان و از جمله مهندس بازرگان، ترجمه دقیق و صحیحی است. لیکن نتایجی که از تحقیقات تاریخی و زبان شناسی و باستان شناسی به دست می آورد، اگر با نص قرآن مطابقت نداشته باشد، نتایج تحقیقات را که با یک روش علمی به دست آمده است ترجیح می دهد. البته نباید توقع داشت و نداریم که او نص قرآن را بر گفته ها و تحقیقات علمی ترجیح دهد، زیرا مسلمان نیست و در اینجا قصد سرزنش او و کسانی مانند او را ندارم و نیز این سخن از ارزش کار او نمی کاهد؛ اما پژوهشگری همچون حامد الگار که دارای روش علمی در تحقیقات اسلامی و بیشتر تاریخی خویش است، چون مسلمان است و به وحی بودن و الهی بودن قرآن ایمان دارد، در هنگام انتخاب میان این دو، به درستی نتیجه تحقیقات علمی شک می کند و نص قرآن را درست می داند.

البته این سخن باز هم به معنای پذیرش کورکورانه و تعصب آلود و بدون دلیل و منطق متون دینی و حتی قرآن، نیست؛ زیرا قرآن خود به نظر و تفکر و تدبیر و تعقل فرامی خواند و کسانی را که از این نیروهای خود استفاده نمی کنند سخت توبیخ می کند؛ بلکه منظور آن است که روش علمی، اگر توأم با ایمان و هدف و اعتقاد نباشد، چه بسا نتایج گمراه کننده ای به بار بیاورد.

شادروان مهندس بازرگان با داشتن روش علمی و با پیش فرض های نولدکه و به ویژه بلاشر، راه آن دو را درپیش گرفت، اما نتایجی که به دست آورد، بسیار متفاوت با نتایج آنان بود؛ زیرا مهندس بازرگان نمی خواست، مانند آن دو یا دیگر خاورشناسان، صرفاً یک تحقیق علمی کرده باشد، حالا هر نتیجه ای که به دست آمد، آمده، بلکه او به وحی بودن و الهی بودن قرآن ایمان داشت، اما نمی خواست در حد همان ایمان اولیه و القایی خانواده با محیط باقی بماند و نیز نمی خواست در برابر شک، زود تسلیم پای لزان و چوبین استدلال های علمی شود و ایمان و اعتقاد را کنار بگذارد. او روش علمی، به خصوص علم ریاضی را به یاری گرفت و نه تنها ایمان خود را به یقین رسانید، بلکه در طول بیش از شصت

سال، به یاری جوانان درس خوانده و دانشگاهی این مرزوبوم هم برخاست و آنان را از سقوط قطعی نجات داد.

اکنون باز برگردیم بر سر بحث کتاب «سیر تحول قرآن» و معرفی اجمالی آن.

هدف دو شاخه 'سیر تحول قرآن'

گفته شد که آقای مهندس بازرگان، با این تحقیق عظیم، به دو هدف مهم دست یافته است: ۱. اثبات الهی بودن و وحی بودن قرآن؛ ۲. ترتیب نسبتاً دقیق آیات. شادروان مهندس بازرگان پس از چاپ و انتشار جلد اول سیر تحول قرآن، در روی جلد و صفحه اول، به اهتمام نگارنده، بدان علت که از ساواک و دستگاه تفتیش عقاید اداره نگارش، نام ایشان بر روی هر کتابی، حتی پدیده‌های جوئی کتاب درسی دانشکده فنی، ممنوع بود؛ برای سهولت ترجمه کتاب به زبان‌های خارجی، خودشان به خلاصه کردن کتاب در یک مقاله ۱۶ صفحه‌ای اقدام کردند. این خلاصه به زبان‌های انگلیسی و عربی و آلمانی و باز به وسیله خود مهندس بازرگان به زبان فرانسه، ترجمه شد، لیکن متأسفانه تاکنون منتشر نشده‌اند. توضیحات دو هدف بالا را از خلاصه کتاب می‌آوریم:

«تنوع آیات و خصوصیت تحولی قرآن، چه به لحاظ مطلب و محتوا و چه به لحاظ کوتاهی و بلندی آیات، یا آهنگ و ترکیب کلمات، نکته‌ای نیست که نادیده هر خواننده قرآن یا مورد انکار هر شخص توجه‌کننده به آن باشد.

غرض از تحقیق علمی حاضر، رسیدگی به این مطلب است که گوناگونی آیات قرآن در شکل و معنی، آیا از یک قاعده و نظام تبعیت می‌کند یا تصادفی و کیف اتفق است؟ و در صورت مثبت بودن، جواب آن قاعده چیست؟ به عبارت دیگر، می‌خواهیم رابطه مابین سیر تحولی قرآن و زمان یا تاریخ‌های نزول را در طول ۲۳ سال رسالت جست‌وجو کرده، ضابطه مطمئن و شاخص ساده‌ای به دست آوریم.

به استعانت چنین ضابطه یا رابطه خواهیم توانست سال نزول هر سوره و بلکه هر آیه را تعیین کنیم و سپس جدول یا تابلویی از ترتیب صدور مطالب یا سیر تحول موضوعی قرآن تنظیم کرده آگاهی بیشتری به تنزیل کتاب حاصل کنیم.^۵

پس از مقدمه بالا، روش کار را توضیح می‌دهد و به شرح کارهایی که دیگران انجام داده‌اند، اعم از مفسرین و علمای اسلامی و مستشرقین و برنامه‌ای که خدا در این کتاب

طرح ریزی کرده است، فرضیه ها و نتایج به دست آمده می پردازد که این توضیحات بخش اول خلاصه و درباره سیر تحول لفظی قرآن است. در بخش دوم، (سیر تحول موضوعی قرآن) می گوید:

«با استفاده از نتایج حاصله در بخش اول کتاب و در دست داشتن (تقریبی) سال های نزول هریک از آیات، اینک می توانیم به بررسی اجمالی ترتیب نزول مطالب و محتوای آیات پردازیم و سیر تحول موضوعی قرآن را ببینیم».^۶

و در پایان این بخش، به عنوان «ملاحظات عمومی درباره سیر تحول موضوعی قرآن» یادآور می شود:

«شیوه تمرکزی و نوبت دار بیان مطالب و موضوعات در قرآن را می توان تصویری از توالی عملیات یا اجرای مأموریت های خود پیغمبر نیز دانست. در هر حال ما در برابر یک جریان برنامه مانند و تنظیم شده از پیش قرار داریم که مستقل از قضایای خارج و عکس العمل های محیط صورت می گرفته است.

۱. ... موضوع ها ممکن بوده است به طور عادی در طول سنوات رسالت پخش شده باشد، در حالی که یک نظام انتخاب شده ای شبیه به برنامه تعلیماتی پاره ای مدارس فنی یا سازمان های طرح ریزی شده مشاهده می گردد.

یقیناً طرح و نقشه ای، خواه برای ساختن و تربیت شخص پیغمبر و خواه برای تشکیل دادن مکتب، در کار بوده است.

۲. در کلیه تقسیمات فرعی و حتی در سه موضوعی که جنبه عملی و موقعیت اجتماعی زمانی داشته اند، آیات فراوانی دیده می شود که پیشاپیش سال و فور حداکثر یا تمرکز نوبتی نازل شده اند. سالها جلوتر از سر در آوردن منافقین در جامعه هدفی نوین و سالها جلوتر از آنکه تصادم جنگی با کفار قابل احتمال باشد، پیش آیاتی دیده می شود، ابتدا ملایم و تلویحی و به تدریج کوبنده و تصریحی، مفید برای زمینه سازی: مشابهت دیگر قرآن با دستگاه طبیعت!

کودک هنوز زائیده نشده، ترشح شیر در غدد پستان شروع می شود و در سیر تحولی موجودات زنده پیش درآمد جهش قبل از آنکه نوع تکامل یابنده از آن استفاده کند در اجداد ظاهر می گردد ... واللّه اعلم».^۷

جلد اول سیر تحول قرآن به دو بخش تقسیم شده است: ۱. سیر تحول لفظی قرآن؛

۲. سیر تحول موضوعی که در این جمله برای نشان دادن این سیر تحول به زبان ریاضی از ۳۴ جدول و ۵۲ شکل (یا نمودار) استفاده شده است که جدول ۱۴: (ترتیب نزول گروه‌ها و آیات سوره‌ها و جمع آیات و کلمات نازل تا آن زمان) است. در این جدول ۱۹۴ گروه از آیات یا دفعات نزول قرآن، را می‌بینیم که نخستین گروه ۵ آیه نخست سوره علق و آخرین گروه ۶ آیه (از میان آیات ۱ تا ۹) سوره مائده می‌باشد و با این گروه تعداد آیات قرآن جمعاً به ۶۳۷۲ آیه و کلمات قرآن به ۷۵۶۶۶ کلمه می‌رسد.

در میان شکل‌ها نیز شکل ۵۲ قله‌های تنزیل، نشانگر مجموعه منحنی‌های موضوعی است که شکلی طبیعی را نشان می‌دهد.

جلد دوم فنی است و «جداول و منحنی‌های تفصیلی سوره به سوره و مدارک مطالعاتی» آورده شده است. جلد نخست «اختصاص به بیان موضوع و بحث و ارائه نتایج داشته، به حداقل جدول و منحنی‌های ضروری اکتفا می‌شود، ولی برای کسانی که حوصله کافی دارند و خواهان موشکافی و رسیدگی به محاسبات هستند، جلد ضمیمه محتوی مجموعه جداول و منحنی‌ها تهیه می‌شود. در جلد ضمیمه شماره گذاری صفحات از ۱۰۰۱ شروع شده است و شماره گذاری شکل‌ها از ۱۰۱، تا اشتباه و اختلافی پیش نیاید».^۹

این سخن را شادروان مهندس بازرگان در جلد نخست نوشته است، لیکن پس از انتشار جلد دوم در سال ۱۳۶۰ به اهتمام فرزند برومند ایشان آقای مهندس عبدالعلی بازرگان، ملاحظه شد که شماره صفحات از ۱ شروع شده است و شماره جداول‌ها از ۱۰۱. و پس از چندی، چون غلط‌هایی در چاپ و محاسبه در جدول‌ها پیش آمده بود و نواقصی در جلد نخست به نظرشان رسیده بود، جلد دیگری به عنوان «جلد متمم» نوشتند و به قطع وزیری (برخلاف چاپ اول جلد‌های ۱ و ۲ که به قطع رحلی است) منتشر کردند و به خصوص جدول شماره ۱۴ را که ترتیب نزول گروه‌های آیات است، با تصحیح و تجدیدنظر در آن جلد آورده‌اند.

آقای مهندس بازرگان می‌گفتند:

«از آغاز زندگیم تاکنون دو چیز را ترك نکرده‌ام، یکی قرآن خواندن پس از نماز صبح؛ و دیگری نرمش صبحگاهی».^{۱۰}

و تا پایان عمر با قرآن زیست و پیوسته به تدبیر و تفکر در قرآن سرگرم بود. و با انتشار این سه جلد، کار را پایان یافته ندانست و مجدداً به ترتیب نزول در چهارشنبه‌ها آنها را تفسیر می‌کرد که، به گفته آقای مهندس عبدالعلی بازرگان، خود ایشان تا گروه ۵۰ را تفسیر کردند و چند

گروه پس از آن را هم با نظارت پدر، آقای مهندس عبدالعلی بازرگان به همان سبک ادامه دادند و پس از درگذشت وی نیز، به ادامه این کار بزرگ مشغولند. توفیق ایشان را از خدای حکیم و مهربان و راهنما درخواست دارم.

در پایان باید سخن دکتر شریعتی را تکرار کنم که با دیدن این کار عظیم گفت: «من کشف ایشان را درباره قرآن درست و بی مبالغه، شبیه کار گالیله درباره منظومه و نیوتن درباره جاذبه و پاستور درباره بیماری و... می دانم. آنها کلید علمی وحی طبیعی را به دست آورده اند و ایشان کلید علمی وحی کلامی را»^{۱۱}

و سخن مهندس بازرگان در آخر مقدمه جلد دوم سخنی است مناسب در این جا: «متأسفانه برای بنده فرصت و امکانی که روی این کتاب کار کرده، محاسبات را از سر بگیرم و حتی غلط‌هایی را که علاوه بر غلطنامه کشف شده و قابل کشف است استخراج و اصلاح نمایم دست نداده و نمی دهد. ولی چون خوشبختانه اشخاص متعددی علاقمند به این مطالعات گردیده اند، امیدوارم به فضل و هدایت خدا و به لطف علاقمندان صاحب صلاحیت کار، تکمیل گردد... مهندی بازرگان-۵/۱۰/۵۹»^{۱۲}

۱. علامه طباطبائی، المیزان، ج ۲۰، ترتیب نزول سوره های ناس و فلق.
۲. سیر تحول قرآن، ۸/۱.
۳. همان، ص ۲.
۴. نمونه برجسته این گونه از دانشمندان، نویسنده پرکار و عالم مشهور علوم قرآنی قرن های نهم و دهم هجری، سیوطی است که کتاب پرارزش او در علوم قرآنی، «الاتقان» در عین دادن اطلاعات فراوانی در این موضوع، آثار از آنچه در متن گفته شده نیز برجای می گذارد.
۵. سید محمد مهدی جعفری، روش بررسی قرآن، ص ۱۰۷.
۶. همان، ص ۱۱۷.
۷. همان، ص ۱۲۰.
۸. همان، ص ۱۰۸.
۹. سیر تحول قرآن، ۷/۱.
۱۰. گویا، در یکی از مصاحبه هایش در دوران نخست وزیری.
۱۱. دکتر شریعتی، مجموعه آثار، ۴۶-۴۵/۳۴.
۱۲. سیر تحول قرآن، ۲/شش.